گزارش کپسولی

هنر انقلاب جریان قابل لمسی است

نشست رسانه‌ای هفته هنر انقلاب اسلامی دیروز برگزار شد

مجدالدین معلمی، معاون هنری حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در نشست رسانه‌ای هفته هنر انقلاب. که دیروز در حوزه هنری برگزار شد. گفت: در ابتدای انقلاب و بعد از آن دهه ۶۰ و ۷۰ وقتی می‌خواستند از هنرمندان انقلاب نام ببرند، اسامی محدود بود.

رویش هنر انقلاب

او در ادامه این نشست گفت: شاید بتوان گفت جز در شعر که از پیش از انقلاب اسلامی رویش داشت، با فقر هنرمند مواجه بوده‌ایم و تعداد هنرمندانی که کار بارز و شاخص خلق می‌کردند زیاد نبوده است، اما امروز جریان هنر انقلاب جریان قابل لمسی است و تعداد چهره‌هایی که در رشته‌های مختلف هنری رویش‌های متعددی دارند قابل توجه است و می‌توان گفت هنر انقلاب جریان عمومی شده‌ای در عرصه هنر است. امروز تنها نمی‌توان رشته‌های محدودی را به عنوان هنر انقلاب نام برد و در تمام بخش‌های هنری و ادبی، حتی در رشته‌های گروهی‌تر مانند سینما می‌بینیم جمع هنرمندانی که تولید دارند قابل ملاحظه است.

معیارهای انتخاب چهره هنر انقلاب

معلمی با بیان این‌که حوزه هنری برای پنجمین دوره، چهره سال هنر انقلاب اسلامی را معرفی می‌کند، اظهار کرد: دبیرخانه دائمی جایزه هنر انقلاب اسلامی به صورت منظم فعالیت‌های هنرمندان را در طول سال رصد می‌کند و در بهمن و اسفند به فهرست ۱۵ تا ۲۰ نفره می‌رسد که شامل شخصیت‌هایی است که در آن سال تولیدات و فعالیت‌هایی برای هنر انقلاب اسلامی داشته‌اند.

وی در ارتباط با معیارهای انتخاب چهره سال هنر انقلاب اسلامی گفت: توجه اصلی ما تنها به عمر فعالیت‌های هنرمندان نیست، بلکه تولیدات و فعالیت‌های یک هنرمند در طول سال گذشته معیار مهمی است که در انتخاب به آن توجه می‌کنیم. دربرگیری و عمومیت داشتن اثر تولیدی هم از بحث‌های دیگری است که در انتخاب هنرمند مد نظر کارشناسان قرار می‌گیرد. جریان‌سازی برای هنر انقلاب اسلامی هم جزو پیش شرط هایمان برای انتخاب چهره سال هنر انقلاب اسلامی بوده است. انقلابی بودن و دربرگیری عمومی از شاخصه هایمان بوده و اگر در این خصوص اقدامی باعث پرورش هنرمندان انقلاب شده باشد هم مورد توجه قرار گرفته است.



دبیر هفته هنر انقلاب در ادامه به دبیرخانه دائمی هفته هنر انقلاب اشاره کرد و افزود: از میان ۱۴ چهره رضا امیرخانی، هدایت‌ا... بهبودی، ابراهیم حاتمی‌کیا، مسعود نجابتی و مهدی نقویان نامزد نهایی چهره هنر سال انقلاب معرفی شدند. همچنین در بخش رویداد سال نامزدها عبارت از مجموعه خانه طراحان انقلاب اسلامی، هیات هنر و کلاس‌های آموزشی شهاب مرادی نامزد نهایی رویداد هفته هنر انقلاب هستند.

وی به اسامی اشاره کرد و دلایل را برشمرد و گفت: معیار انتخاب رضا امیرخانی برنده جایزه یازدهمین دوره جایزه جلال در سال ۹۷ برای نویسندگی رمان «رهش»، تاثیرگذاری ادبی و جذب حداکثری مخاطب. معیار انتخاب هدایت‌ا... بهبودی، برنده یازدهمین جایزه جلال در سال ۹۷ برای نویسندگی کتاب «الف. لام. خمینی» و مستندسازی از وقایع مهم تاریخ انقلاب. معیار انتخاب ابراهیم حاتمی‌کیا، کارگردان فیلم سینمایی «به وقت شام» و پرداختن به موضوع مدافعان حرم و مبارزه با تروریسم و توفیق در جذب مخاطب گسترده. معیار انتخاب مسعود نجابتی، تاثیرگذاری در عرصه هنر تجسمی، جشنواره‌ها و رویدادهای بزرگ هنری، آموزش هنرمندان متعهد و جوان و واکنش به وقایع مهم جهان با نگاهی هنری. مدیریت و دبیری جشنواره تجسمی مقاومت، توجه به کادرسازی و آموزش گسترده هنرمندان متعهد و جوان، واکنش هنرمندانه، متعهدانه و بهنگام نسبت به وقایع جهان اسلام. معیار انتخاب مهدی نقویان، کارگردانی مستندهای در برابر توفان، خارج از دید۲ و ایران۲۰، مستندسازی و شناساندن افتخارات و دستاوردهای انقلاب اسلامی به شیوه‌ای نوین.

برگزاری سومین سمپوزیوم ملی روز جهانی گرافیک



سومین سمپوزیوم ملی روز جهانی گرافیک ۱۲ اردیبهشت توسط مؤسسه آموزش عالی ناصرخسرو و با مشارکت مؤسسه فرهنگی - هنری عرصه نقش ایرانیان با رویکردهای هنری، ارزشی، توسعه اجتماعی و توسعه پایدار در دو بخش علمی (مقالات) و پوستر فتوگرافیستی برگزار می‌شود. منصور مهرنگار رئیس سمپوزیوم، پژمان دادخواه، دبیر علمی و افسانه درویش، دبیر اجرایی این سمپوزیوم هستند. این رویداد اهداف مختلفی را دنبال می‌کند که به گزارش مهر می‌توان به تعامل سازنده هنرمندان گرافیک و جامعه در ارتقا بخشی سطح سلامت جامعه، توجه نهادهای دولتی و غیردولتی به مدیریت و کنترل آسیب‌های اجتماعی، شناخت و معرفی آسیب‌های اجتماعی در طراحی گرافیک، نگاه نقادانه به آسیب‌های اجتماعی از منظر گرافیک، بازخوانی هویت فردی و اجتماعی انسان معاصر در قاب تصویر، تعاملات بین بخشی و بین رشته‌ای در کنترل آسیب‌ها و معرفی و شناسایی نسل جدید طراحان گرافیک اشاره کرد. علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این رویداد علمی - هنری به سایت آن سر بزنند.



یکی از آثار مسعود نجابتی با عنوان «قربانی منا» که بعد از این حادثه با المان‌هایی که در تصویر وجود دارد در وهن رژیم آل سعود و وهابیت توسط او طراحی شد و مورد استقبال قرار گرفت

گفت‌وگوی جام جم با مسعود نجابتی، از چهره‌های هنر انقلاب

هنر انقلاب نباید حزبی شود

چند سالی است که هفته‌ای با عنوان جشن هنر انقلاب برگزار می‌شود و در طول برگزاری آن علاوه بر برنامه‌های مختلف فرهنگی و هنری، از بین فعالان رشته‌ها و فضاهای مختلف این عرصه چهره‌ای به عنوان چهره سال انتخاب و معرفی می‌شود. اما این که اصلا داستان از چه قرار است؟ هنر انقلاب چیست؟ امروز کجای ماجراست؟ تا اینجا چطور پیش رفته و ده‌ها سوال دیگر باعث شد تا به سراغ مسعود نجابتی یکی از افرادی که در طول دوران کاری و حرفه‌ای‌اش همیشه با توجه خاص به این بخش از هنر علاوه بر خلق اثر از حامیان و پیش روهای آن محسوب می‌شود، برویم؛ او از جمله چهره‌های پراهمیت و فعال این فضاست که سال گذشته افتخاراتی را در حوزه گرافیک و دنیای هنرهای تجسمی کسب کرد. مدیریت گروه هنرهای تجسمی بنیاد فرهنگی روایت فتح هم از سمت‌هایی است که او عهده‌دارش است.

گروه فرهنگ و هنر

سال‌هاست که از هنر انقلاب می‌گوییم، اما اصلا این هنر چه المان‌ها و تعریفی دارد که با بقیه متمایز است؟

تعریف هنر انقلاب تنها به بحث انقلاب و دفاع مقدس محدود نمی‌شود؛ اینها بخشی از هنر انقلاب است که به قوت خودشان به خصوص در بعضی از مناسبت‌ها همچنان به آن پرداخته می‌شود و هنرمندان در زمان‌های مشخصی دورهم جمع می‌شوند و در این‌باره اتفاقاتی را رقم می‌زنند. اما هنر انقلاب در شکل واقعی خودش و فضایی که مورد انتظار جامعه است، هنری است که در تمام لحظات زندگی انسان حضور دارد و تنها به یک مناسبت و موضوع خاص برنمی‌گردد. تصور من این است هر موضوعی که با فطرت انسان سازگار است در حیطه این هنر می‌گنجد، مثل وقتی که بحث‌هایی مثل ظلم‌ستیزی، عدالت‌طلبی و... را مطرح می‌کنیم، همه اینها فطری است؛ همان‌طور که مثلا هیچ انسانی دوست ندارد زیر بار ظلم برود و در اینجا گاهی فقط بر سر مصداق ظلم و ظالم بحث می‌شود نه اصل این موضوعات. هنر انقلاب هم موظف است تا حد امکان به همه این موارد از مبارزه با ظلم گرفته تا فساد، بی‌عدالتی و... بپردازد. با این تعریف گسترده این هنر می‌تواند تمام ابعاد زندگی را دربر بگیرد و به آن وارد شود. اصلا هنرمندان ما چه آنهایی که عنوان انقلابی گرفته اند و چه بقیه باید به این موضوعات توجه کنند و واکنش نشان دهند، اتفاقی که در همه جای دنیا در حوزه‌های مختلف از شعر و ادبیات گرفته تا بخش‌های دیگر هنر رخ داده؛ اگر از این منظر نگاه کنیم هر هنرمند آزاده‌ای که گوشش نسبت به ندای فطرتش بسته نیست و می‌تواند بدون بی‌تفاوتی به جامعه‌اش مسائل را حلاجی و تحلیل کند، قطعا به موضوعات دیگر هم واکنش طبیعی نشان می‌دهد. این همان چیزی است که مدنظر هر هنرمندی در هر جایی است و هنر انقلاب تنها با ضریب حساسیت بالاتری به مسائل نگاه می‌کند و سعی می‌کند تا با واکنش به هر موضوعی که لازم است به آن توجه داشته باشد آن هم بدون تمرکز به کسب شهرت و درآمد صرف. این تفاوت هم در همین نگاه تعهدآمیز و همراه با مسؤولیت است.

> تشکل‌هایی که ایجاد شده چون وابستگی خاصی به ارگان و نهادی ندارند، بستر مناسبی هستند که هنرمندان کار خودشان و حرکت خود جوشی که لازم است را انجام دهند، همین حمایت هم باید تنها به صورت پشتوانه باشد نه مداخله در کار هنرمندان و استخدام و حزبی کردن آنها. در غیر این صورت وقتی هنرمندان هم تابع یك جریان فکری حزب خاصی باشند همان سیاست‌زدگی که نباید رخ می‌دهد

تا اسم هنر انقلاب می‌آید همانطور که شما هم گفتید در وهله اول خیلی‌ها یاد جنگ و انقلاب می‌افتند و بحث به روز بودن بیش از پیش مطرح می‌شود، شما به عنوان یکی از فعالان این عرصه فکر می‌کنید چقدر این هنر توانسته در این فضا پیش برود و از آن عنوان کلیشه‌ای اولش فاصله بگیرد؟

این بحثی که مطرح کردید دو وجه دارد؛ بخش اول آن تکلیفی است که هنرمند به دوش دارد؛ یعنی او باید سعی کند خودش را به‌روز کند و بتواند به لحاظ مهارت‌های فردی و دریافت‌های هنری خودش را در حد قابل‌قبولی نگه دارد، وجه دیگر آن هم به ارگان‌ها و مراکزی برمی‌گردد که موظف هستند تا این فضا را با آموزش و پرورش در جامعه ارتقا دهند. دستگاه‌هایی که برای این کار بودجه دارند و تعدادشان هم کم نیست، از وزارت ارشاد گرفته تا سازمان‌های دیگری که به این امر مکلف هستند، حتی دانشکده‌های هنری که امر آموزش را دنبال می‌کنند و هنرمندان زیادی را پرورش می‌دهند، به همین دلیل بخش زیادی از این ماجرا به عهده دولت و دستگاه‌های فرهنگی است و این خروجی را آنها باید کنترل کنند. در این جا ما نمی‌توانیم بگوییم چون بحث هنر انقلاب است، پس گروهی دیگر موظف نیستند به آن بپردازند. اتفاقا ما به این مرزبندی‌ها و خط‌کشی‌هایی که خیلی‌ها به آن قائل هستند اعتقادی نداریم؛ ما نباید تنها جریانی با عنوان هنر انقلاب داشته باشیم و آن وقت چند نفر را در رقابت به نام هنرمندان انقلابی جدا کنیم، بلکه باید کلان‌تر به این مقوله نگاه شود.

با وجود همه اینها به نظر شما الان این هنر با توجه به همان بحث به روز بودن در چه سطحی قرار دارد؟

خود هنرمندان که تلاششان را می‌کنند و تشکل‌های مردمی تشکیل شده که در آنها اتفاقات خوبی رخ داده اما در بخشی که ما انتظار داریم، به هر حال سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی با بودجه‌هایی که دارند با برنامه‌ریزی وارد عمل شوند، اقدام خاصی رخ نداده است و از منظر دولتی و حکومتی به جز چند مورد محدود آن هم در کنار جشنواره‌ها کاری صورت نگرفته است. در این فضا خیلی از همین تشکل‌ها و فعالیت‌ها بدون هدایت و حمایت کلان در درازمدت آن طور که باید و شاید مثمرثمر نخواهند بود.

موضوع دیگری که در این باره وجود دارد، بحث عملکرد فراجناحی با وجود نگاه مشخص در این حیطه است، یعنی پرداختن به مسائل مختلف به دور از سیاست‌زدگی؛ این مساله را چطور برآورد می‌کنید؟

همین تشکل‌هایی که ایجاد شده چون وابستگی خاصی به ارگان و نهادی ندارند، بستر مناسبی هستند که بدون بخشنامه، ابلاغ و موارد اداری کار خودشان و حرکتی را که انتظار می‌رود در فضای خودجوش مردمی اتفاق بیفتد انجام دهند، همین حمایت هم باید تنها به صورت پشتوانه باشد نه مداخله در کار هنرمندان و استخدام و حزبی کردن آنها. در غیر این صورت وقتی هنرمندان هم تابع یك جریان فکری حزب خاصی باشند همین اتفاقی که شما می‌گویید رخ می‌دهد. منتها امروز این جریان تا حدی همسو با مردم و اتفاقات طبیعی در حال پیشروی است، همان‌طور که مثلا وقتی سیلی می‌آید یا اتفاق ناگواری رخ می‌دهد، هنرمندان خودجوش وارد عمل می‌شوند و اثری را خلق می‌کنند و همدرد مردم می‌شوند. همه اینها مواردی‌اند که نمی‌توان آنها را به جریانات سیاسی و جناح‌ها ربط داد و تنها کافی است که این حرکت‌ها با تدبیری در شکل کشوری خود حمایت شوند.

می‌خواهیم کمی فضا را شخصی‌تر کنیم، خود شما با نگاهی که دارید، چقدر در فضاهای هنری مثل سینما و گالری‌ها حاضر می‌شوید؟ و چه کارهایی را می‌بینید و پیگیر می‌شوید؟

من تا جایی که فرصت کنم چون دغدغه و کارمان مسائل هنری است، سعی می‌کنم حداقل از اتفاقات شاخص دور نباشم، مطالعه کنم و آنها را ببینم. به همین دلیل خیلی مرزبندی نمی‌کنم که فقط فلان حوزه را رصد کنم و در این فضا حتی سعی می‌کنم خیلی از کارهایی را که با افکار من مغایر است ببینم و حداقل ببینم چه خبر است چون هنرمند باید از اتفاقاتی که دور و اطرافش می‌افتد مطلع باشد. در این‌باره ممکن است نتوانم همه نمایشگاه‌ها را بروم یا فیلم‌ها را کامل ببینم اما بازهم سعی می‌کنم تا نقدها و مطالب مختلفی که درباره‌شان است را بخوانم و در جریان قرار بگیرم. این انتظاری است که از هر کسی می‌رود و به نظرم به توضیح بیشتری نیاز ندارد. در حوزه تجسمی که این رصد وظیفه تخصصی ماست و در بقیه موارد مثل سینما، ادبیات و موسیقی هم سعی کردم تا در جریان اتفاق‌هایش باشم.

در آخر هم داستان معیشت هنرمندان با کارشان مطرح است، با توجه به این که هنر انقلاب شاید هنوز آن طور که باید جایش را بین گالری‌ها و مردم باز نکرده، شما این بخش را چطور می‌بینید؟ یك هنرمند در این حیطه می‌تواند زندگی‌اش را بگذراند؟

پاسخ این سوال در رشته‌های مختلف تجسمی متفاوت است، مثلا در گرافیك داستان با نقاشی تفاوت دارد چون در رشته نقاشی مشکلات بیشتری وجود دارد، چون کارش را در جایی مثل نمایشگاه یا گالری عرضه می‌کند و مخاطب آن باید کار را ببیند، بپسندد و بعد بخرد، در واقع نقاش به فضایی برای عرضه اثر نیاز دارد. این ماجرا در گرافیك و بخش‌های آن مثل طراحی پوستر، لوگو و... به دلیل وجود رابطه مشخص عرضه و تقاضا فرق می‌کند و به نوعی روشن‌تر است. در این جریان خیلی از آثار بر اساس سفارش شکل می‌گیرند و هنرمند در کنار آن مضامینی که می‌خواهد را هم طراحی می‌کند. به همین دلیل درگیری‌هایی که نقاش در این حوزه دارد با گرافیست متفاوت و در رشته‌های دیگر هم این رویکرد متغیر است و باید برای آن تصمیماتی گرفته شود. به عنوان مثال برای همین نقاشی باید به فکر یك بازار هنری باشیم، جایی که امکان عرضه و تقاضا وجود داشته باشد و برایش فکر شود. شاید فضایی که فعلا وجود دارد چندان مناسب اکران این کارها نباشد به همین دلیل باید به‌گونه دیگری به آن پرداخت. اینها مواردی بود که من متناسب با رشته‌ام بیان کردم و دغدغه‌های هر رشته مخصوص به خود بوده و لازم است شنیده شده و درباره‌اش صحبت شود.

البته باید این را هم در نظر داشت که چند نفر و چه کسانی حاضرند مثلا اثری در این حوزه را خریداری کنند، چون درباره هنر انقلاب تنها بحث فراهم کردن بازار مطرح نیست و محتوایی که وجود دارد هم روی فروش و توجه به آن تاثیر می‌گذارد....

بله، اما بازهم به اول صحبت‌ها برمی‌گردم، این مساله و عدم تمایل به خرید زمانی اتفاق می‌افتد که ما هنر انقلاب را تنها به طیف خاص و المان‌های تکراری که می‌شناسیم محدود کنیم. اگر این نگاه را گسترده‌تر کنیم هنر انقلاب می‌تواند اتفاقات دیگری را رقم بزند. با این حال چون ماهیت این هنر به‌دلیل آگاهی بخشی و گاهی جنبه اعتراضی که دارد با هنری که شایع است تفاوت دارد، صحبت‌های شما هم ممکن است درست باشد، در این شرایط ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که این جنس هنر در بازار خرید و فروش شود، مگر کلکسیونرها و کسانی که برای آرشیوهای شخصی‌شان وارد عمل می‌شوند. به هر حال در غیر این صورت هم هنر انقلاب به حمایت نهادها و سازمان‌هایی نیاز دارد که این جریان را تقویت کنند و پرورش دهند، مثل خیلی از اتفاقات هنری که در عصر صفویه در آن ابعاد بزرگ توسط حمایت حکومت و دستگاه‌های مربوطه اتفاق افتاد. ما نمی‌توانیم از این داستان غافل باشیم و این وظیفه‌ای است که بر دوش نهادهای فرهنگی از ارشاد تا حوزه هنری، سازمان تبلیغات و... است و باید به آن توجه کنند.

